

نوجوانان ۱۹۴

ضمیمه نوجوان روزنامه جام جم
پنجشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۳



نشست و گفت‌وگو با هادی، هدی، یونس و عاطفه، بازیگران نوجوان سریال «فراری»

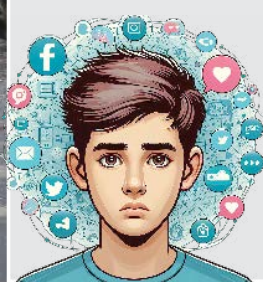
خانواره فراری

۴۱



۳ روایت ساده
از یک خانواده آشنا
الگوی ازیک
خانواده تراز

۸۱



درباره خانواده و خطرهایی
که آن‌را تهدید می‌کند
خونه، اون خونه
قدیمی نیست

۶۱



درباره انواع مامان باباها و
چالش‌های آن
دیکتاتور یا
قدرتمند؟!؟

۲۱



زهرا قربانی

دبیر
نوجوانه

مراسم شروع شده. زنده است و ما میخکوب به تصویرهایی که تلویزیون از قاب‌های مختلف برایمان انتخاب می‌کند، سلیق مختلف کنار هم نشسته و بگو بخند می‌کنند و انگار نه انگار باهم زمین تا آسمان اختلاف نظر دارند. قاب برمی‌گردد روی رئیس مجلس، رئیس جمهور منتخب و رهبری.

مراسم با سخنرانی وزیرکشور دولت سیزدهم شروع شده است و من همان‌طور که ایستادگرم راگشتم می‌زنم گوشم به حرف‌هایی است که رد و بدل می‌شود. جای آقای رئیسی یک جوری خالی است که برمی‌گردم و روبه مامان می‌گویم، دلم گرفت از قاب عکسش و دوباره برمی‌گردم توی گوشی. آقا با دقت متن تنفیذ را گوش می‌کند، ما هم نمی‌دانم همه این‌طور وقت هادل شان شور می‌زند یا من فقط نگران چهار سال آینده‌ام. توی دلم رخت می‌شویند. لوح را رهبری می‌دهند دست رئیس جمهور جدید و ذهنم می‌رود سمت وزاری که قرار است انتخاب شوند. قاعده این است همه دغدغه نوجوان داشته باشند و این بازه سنی توی گیر و دار مسائل سیاسی، بین‌المللی و اقتصادی از قلم نیفتد اما چهار وزیر هستند که باید شش دانگ تر به مسأله نوجوان اهمیت بدهند. ذهنم می‌رود سمت همان‌ها. وزیر ارشاد، وزیر ارتباطات، وزیر آموزش و پرورش و وزیر ورزش و جوانان. نگرانی‌ام با زیر صدای سخنرانی رئیس جمهور چند برابر می‌شود. قرار است چه کسانی انتخاب شوند و قرار است چطور از پس سن سخت نوجوان بریباید؟

نکنند رئیس جمهور بعد از فیلم تبلیغاتی‌اش دیگر به فکر نوجوان هم نیفتد و جلسات هم‌اندیشی مشترک نگذارد، وزیر آموزش و پرورش بیش از دانش‌آموز به فکر معلم باشد و رتبه‌بندی و افزایش حقوقش و به‌کل نوجوان یادش برود و نکند وزیر ارشاد غافل شود از تولیدات مکتوب و تصویری در این حوزه برای این قشر حساس سنی! نگران اینها هستیم. نگران وزیر ورزش و جوانانی که این واژه نوجوان را یادش برود و دستور رئیس جمهور قبلی درباره شورای عالی جوانان و نوجوانان یادش برود یا کارگروه کودک و نوجوان مرکز ملی فضای مجازی برود جزو اسامی تشریفاتی و جلسات وقت پرکن سازمانی قرار بگیرد. نگران اینها هستیم....

درباره انواع مامان باباها و چالش‌های آن ریکتاتور یا قدرتمند؟!

احتمالا خیلی از شما آرزو می‌کنید که کاش پدر و مادری منعطف‌تر داشتید تا آن قدر برای یک سینما یا کافه رفتن با دوستانتان مجبور نباشید ساعت‌ها به دست وپای والدینتان بیفتید و قسم و آیه بخورید که رأس فلان ساعت برخواهید گشت. شاید هم برعکس، شاید شما خانواده‌ای دارید که اتفاقا شما را سوق می‌دهد که با دوستانتان بیرون بروید، از سنی که هستید لذت ببرید و جوری زندگی کنید که بعدها حسرت هیچ چیز را نخورید، تا جایی که حتی شاید شما در مسیر رفتن به سر قرار با دوستانتان تازه به مادرتان زنگ بزنید و خبر بدهید و او فقط با خوش بگذرد، تماس را قطع بکند در حالی که ممکن است این اتفاق در خانواده‌ای دیگر منجر به سه‌شب و سه‌روز جنگ اعصاب بشود.

شاید هم کلا خانواده‌ای دارید که اگر ساعت‌ها هم خارج از خانه بچرخید باز هم تلفن همراهتان حتی زنگ نخورد و پیامی یا مضمون (کجایی) دریافت نکنید. خانواده‌ها با هم متفاوتند و هرکدام راه و روشی را برای تربیت کردن فرزندانشان طی می‌کنند. امروز می‌خواهیم، ببینیم که چه مسیرهایی برای این کار وجود دارد و کدام از همه بهتر است؟ شما هم بخوانید تا ببینید خانواده شما جزو کدام گروه قرار می‌گیرند.

ریحانه اوسطی

نوجوانه



مامان بابای باحال

اگر مامان بابایی دارید که خیلی با آنها رفیق هستید و اصولا برای همه کارها پایه شما هستند و کمتر پیش می‌آید که بخواهند در کارهای شما دخالت کنند یا به قولی پایبختان بشوند، یحتمل مامان بابای سهل‌گیری دارید. این والدین با این‌که در ظاهر خیلی شاداب، باحال و خفن به نظر می‌رسند اما قطعا خلأهای بزرگی هم برای تربیت بچه‌هایشان به وجود می‌آورند. مثلا اغلب اوقات این خانواده‌ها فرزندشان را از خطرات یا تجربه‌های بد آگاه نمی‌کنند و مثل دوستی که همسن خود بچه باشد بیشتر درکنارشان هستند و هیچ راهنمایی، نصیحت، پند

و اندرز در چنته ندارند باین‌که یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های والدین این است که به دلیل تجربه‌های بیشترشان، از ما در برابر پرتاب در دره‌های پرخطر زندگی محافظت کنند. بچه‌های

این مامان باباها بیشتر دچار مشکلات تحصیلی، سلامتی و سلوکی می‌شوند، چون نظارت درست و دقیقی هیچ‌گاه

روی آنها نبوده است. هر موقع بخواهند درس می‌خوانند و اگر

نخواهند نمی‌خوانند، هر چیزی که بخواهند، می‌خورند و هر زمان که

دوست داشته باشند می‌خوانند. چون می‌دانند کسی نیست که به آنها بگیرد و

همین ماجرا گریبان فرزند را از کودکی تا بزرگسالی می‌گیرد.



مامان بابای دیکتاتور

اگر والدین شما از آن دسته آدم‌هایی هستند که قوانین سخت‌گیرانه و غیرقابل انعطاف دارند و به هیچ‌وجه حاضر به تغییر قواعدشان نیستند، جوری که اگر حتی ضجه و مویه هم کنید، فرقی به حال آنها ندارد و مطمئنید که اگر برای کاری اجازه ندهند یعنی هرگز اجازه نمی‌دهند، احتمالا مامان بابای شما دیکتاتور ماب هستند و حرف، حرف خودشان است و اگرچه شما در این خانواده آدمی خواهید شد که اغلب اوقات از قوانین پیروی می‌کنید اما این اطاعت بهایی هم دارد. این مامان باباها اصولا از تنبیه برای تربیت بچه‌هایشان استفاده می‌کنند که همان پکیج دمپایی و مگس کش خودمان است. وقتی هم که فرزند به سنین نوجوانی می‌رسد و نیاز به استقلال و فضای بیشتری دارد اصولا برپایه همان شیوه تربیت جلو می‌روند و مجوز خیلی کارها را اصلا صادر نمی‌کنند. مثلا اگر بچه این جور مامان باباها در جمع دوستانش نشسته باشد و دوستانش برنامه بیرون رفتن بعد از امتحانات بریزند او حتی جرأت گفتنش را هم به پدر و مادرش ندارد مگر این‌که دروغ بگوید. پس خیلی اوقات بچه‌های این مامان باباها دروغگوهای حاذقی می‌شوند.

این سبک خانواده مستبدانه

قطعا یکی از انواع سبک‌های

شکست‌خورده تربیتی است که چیزی جز یک

آدم ترسو و دروغگو بار نخواهد آورد.



مامان بابای قدرتمند

از پس خودشان بر بیایند و مسئولیت‌پذیر و شاد باشند. احتمالا مامان بابای اکثر شما قوی و مقتدر هستند و باید همین امشب به خاطر این‌که دیکتاتور، بیخیال یا زیادی باحال نیستند از آنها تشکر کنید.

اما می‌رسیم به مامان باباهای قوی که در عین قوی بودن و قوانین به خصوص داشتن، همچنان کنار آنها خوش می‌گذرد. این مامان باباها قانون وضع می‌کنند مثلا می‌گویند ساعت ۱۰ شب در خانه، خاموشی زده می‌شود و همه باید بخوابند اما احساسات فرزندشان را در نظر می‌گیرند و قوانین را خشک و جدی و غیرقابل انعطاف اجرانمی‌کنند. مثلا اگر یک شب بچه مشکلی داشت که خوابش نبرد به جای دعوا در کنار او قرار می‌گیرند و به او کمک می‌کنند، مشککش را حل کند تا راحت تر به خواب برود. اصولا دلایل پشت قوانین را برای بچه‌ها توضیح می‌دهند. مامان باباهای قوی و مقتدر همیشه سعی می‌کنند رابطه مثبتی با بچه‌هایشان داشته باشند، در عین این‌که به زندگی‌شان نظارت کنند اما اجازه بدهند که فرزندشان در چهارچوب خانواده تجربه‌های جدید کسب کند و مسئولیت‌پذیر و بالغ، بار بیاید. عمدتا هم همین است و بچه‌های این مامان باباها مستقل و عاقل می‌شوند و می‌توانند در زندگی



مامان بابای بیخیال

چطور است؟ حتی چطور لباس می‌پوشد و چه چیزهایی می‌خورد؟ این مادر پدرها خیال می‌کنند که بچه‌های می‌توانند خودشان، خودشان را تربیت کنند و خودشان را به حاشیه می‌رانند. البته گاهی هم از قصد این اتفاق نمی‌افتد و ممکن است مامان بابایی باشند که مشکل سلامتی جسمانی یا روانی دارند یا مشکلات سوء مصرف دارند که نمی‌توانند نقش والدی خود را ایفا کنند. بچه‌های این مامان باباها اصولا عزت‌نفس کمی دارند. کمتر شاد هستند و ممکن است عملکرد ضعیفی در تحصیل و دوست‌یابی و ارتباط‌گیری داشته باشند. این سبک تربیتی خود شکست است و امیدوارم هیچ بچه‌ای در هیچ‌جای کره زمین چنین خانواده‌ای را تجربه نکند.

بعضی از مامان باباها هستند که آن قدر درگیر کار و روزمگی، پرداخت قسط و قبض و چک کردن پس‌انداز سالانه شده‌اند که اصلا فراموش کرده‌اند که قبل از هر چیزی مادر و پدرند. این مامان باباهایی اعتنا و بیخیال هستند و عمدتا چندان خبری از بچه‌شان ندارند. نمی‌دانند دقیقا بعد مدرسه چه می‌کند؟ کجاست؟ کجا می‌رود؟ دوستانش چه کسانی هستند؟ چه برنامه‌هایی تماشا می‌کند؟ معدلش چند شده و رابطه‌اش با معلم‌اش



مزایده ۳۴۳۷/۱۴۰۳/ اقلام حضوری مرکز فروش کوثر

مرکز فروش کوثر در نظر دارد اقلام مستعمل و اسقاط زیر را از طریق مزایده حضوری به فروش رساند.

انواع کانکس، ابزارآلات کارگاهی و صنعتی، کمد، فایل، میز و صندلی، لوازم صوتی، تصویری، اداری و متعلقات کامپیوتر، انواع ژنراتور، لوازم گرمایی و سرمایی مخازن تحت فشار، تجهیزات جرثقیل سقفی

آدرس محل بازدید: تهران، جاده امام رضا (ع)، قبل از پل شریف آباد، جاده شریف آباد به پیشوا، شهرک صنعتی پیشوا، شرکت ایوا، تلفن تماس: ۰۹۳۵۲۳۴۷۱۸

آهن آلات ضایعاتی، داغی خودروئی، لوازم گرمایی و سرمایی

آدرس محل بازدید: تهران، اتوبان شهید بابائی، بعد از پل لشگرک، دانشگاه افسری امام حسین (ع)، تلفن تماس: ۰۹۱۰۰۱۰۳۲۶۳

۲۵۰۰ متر کامپوزیت زیر کار پروفیل قوطی

آدرس محل بازدید: جزیره کیش، جاده جهان، بلوار مرجان، هتل کوثر

تلفن تماس: ۰۹۱۲۶۹۴۸۱۴۰

میز، کمد، فایل، صندلی، لوازم صوتی، تصویری و متعلقات کامپیوتر، لوازم سرمایی گرمایی و آشپزخانه، تجهیزات انفرادی و گروهی

آدرس محل بازدید: خرم آباد، پل آیتاله کمالوند (کرگانه)، ابتدای ۶۰ متری بلوار شهید شفیعی پور، موقعیت حضرت ابوالفضل (ع)، تلفن تماس: ۰۹۱۶۳۹۸۸۱۵۱

آهن آلات ضایعاتی

آدرس محل بازدید: تهران، اتوبان شهید همت غرب به شرق، بعد از برج میلاد، ورودی رمپ خاکی، بچینگ گود میلاد، تلفن تماس: ۰۹۳۳۶۱۶۶۰۱

آهن آلات ضایعاتی، داغی خودرویی؛ لوازم صوتی، تصویری، اداری و متعلقات کامپیوتر، انواع کانتینر اسقاط

آدرس محل بازدید: تهران، جاده مخصوص کرج، شهرک استقلال، بلوار دکتر عبیدی، خیابان شهید جلال، آمارگاه شهید عبادیان، تلفن تماس: ۰۹۲۱۳۶۶۱۵۴۶

چک آپ بارج

آدرس محل بازدید: بندر امام خمینی (ع)، تلفن تماس: ۰۹۱۸۳۴۳۲۶۲۹

■ جهت بازدید یک روز قبل با شماره تلفن فوق هماهنگ گردد.

آهن آلات ضایعاتی

آدرس محل بازدید: تبریز، شهرک شهید سلیمانی، مخزن ۱۰۰ هزار مترمکعبی آبرسانی تبریز، موسسه پایاب نیرو، تلفن تماس: ۰۹۹۰۵۸۹۶۲۳۳

بشکه پلاستیکی، لاستیک ضایعاتی

آدرس محل بازدید: استان بوشهر، شهرستان برازجان، کیلومتر ۲۰ جاده کنار تخته کارگاه سد دالکی، تلفن: ۰۹۹۱۶۲۲۴۱۰۰

آهن آلات ضایعاتی، پلیسه

آدرس محل بازدید: قم، سلفچگان، شهرک صنعتی سلفچگان، انتهای خیابان صدر پوشش لوله سلفچگان، تلفن تماس: ۰۹۱۸۳۳۶۵۰۷۵

الف) شرایط مزایده:

(۱) اهلیت قانونی خریدار (همراه داشتن اصل و کپی کارت ملی الزامی می باشد).

(۲) خریدار موظف است به محض برنده شدن ۱۰٪ قیمت خرید را به عنوان سپرده به صورت نقد از طریق کارت های بانکی عضو شبکه شتاب (به نام شخص خریدار) و یا چک پول پرداخت نماید.

(۳) بابت پرداخت سپرده بالاتر از مبلغ ۲ میلیارد ریال تهیه چک رمزدار یا ارائه چک شخصی صیادی ثبت شده به نام مرکز فروش کوثر به میزان ۱۰٪ قیمت پیشنهادی الزامی است.

(۴) در صورت انصراف خریدار، سپرده به نفع فروشنده ضبط خواهد شد.

(۵) خریدار مکلف است علاوه بر قیمت خرید ۲٪ بابت هزینه های جانبی مزایده و ۱۰٪ بابت مالیات بر ارزش افزوده به فروشنده پرداخت نماید.

(۶) فروشنده در رد یا قبول پیشنهادهای مختار می باشد.

(۷) کلیه هزینه های پس از فروش به عهده خریدار می باشد.

ب) زمان و مکان:

زمان بازدید مزایده: روزهای شنبه و یکشنبه ۱۳ و ۱۴ مرداد ماه ۱۴۰۳

صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶

زمان برگزاری مزایده: روز دوشنبه ۱۵/۰۵/۱۴۰۳ ساعت ۸ صبح

آدرس محل برگزاری مزایده: تهران، کیلومتر ۸ جاده مخصوص کرج، شهرک استقلال، بلوار دکتر عبیدی، جنب درمانگاه شهید صنیع خانی، مرکز فروش کوثر

تلفن تماس: ۰۹۳۰۰۱۴۶۶۲۳

تنوع اقلام: پلاستیک جات، آلومینیوم ضایعاتی، لوازم پزشکی، سیم و کابل ضایعاتی میز، کمد، فایل و صندلی، آهن آلات ضایعاتی، داغی خودرویی، لاستیک خودرو ضایعاتی، لوازم صوتی، تصویری و متعلقات کامپیوتر، لوازم سرمایی، گرمایی و آشپزخانه، تجهیزات انفرادی و گروهی، ابزار آلات و لوازم برقی

آدرس محل بازدید: تهران، کیلومتر ۸ جاده مخصوص کرج، شهرک استقلال بلوار دکتر عبیدی، جنب درمانگاه شهید صنیع خانی، مرکز فروش کوثر تلفن تماس: ۰۹۳۰۰۱۴۶۶۲۳

انواع کانتینر اسقاطی

آدرس محل بازدید: تهران، جاده قدیم کرج، بعد از سه راه شهریار، موقعیت شهید بروجردی، تلفن تماس: ۰۹۱۲۵۶۳۶۴۲۲

آهن آلات ضایعاتی، انواع نانکر، انواع کانکس

آدرس محل بازدید: تهران، رباط کریم، بلوار یادگار امام (ع)، میدان شهید آبناسان، روبروی جایگاه سوخت CNG، آمارگاه مؤسسه حرا تلفن تماس: ۰۹۱۶۹۵۶۷۰۲۸ - ۰۹۳۵۶۷۵۳۴۹۱

دستگاه بچینگ

آدرس محل بازدید: تهران، کیلومتر ۶ جاده مخصوص کرج، قبل از شهر فرش، روبروی پل تهرانسر، آمارگاه المهدی (ع)، تلفن تماس: ۰۹۱۱۳۹۲۵۴۴۶

برج خنک کننده

آدرس محل بازدید: قم، بلوار غدیر، بعد از دانشگاه قم، روبروی تالار مدائن مرکز آموزشی شهید محلاتی، تلفن تماس: ۰۹۱۹۱۵۲۸۰۲۴

آهن آلات (کرن بارج مغروق)

آدرس محل بازدید: آبادان، اروند، جاده کمربندی، نهر غنچه، ناو تیپ دریایی اروند تلفن تماس: ۰۹۱۶۹۳۵۹۵۷۴

انواع تراورز چوبی (تعداد ۷۰۰۰ عدد)

آدرس محل بازدید: بندر ترکمن، اسکله بندر ترکمن، اداره بنادر و دریانوری مؤسسه مکین، تلفن تماس: ۰۹۹۰۳۹۵۹۵۶۶

نانکر هوایی

آدرس محل بازدید: تهران، شهر قدس، خیابان اصغری، کوچه فرزان، پلاک ۱۱ و ۱۳، تلفن تماس: ۰۹۱۷۳۷۲۱۱۰۱

پلاستیک ضایعاتی، لاستیک ضایعاتی، کابل ضایعاتی، آهن آلات ضایعاتی، انواع قالب آهنی

آدرس محل بازدید: کهریزک، ۶۰ متری شورآباد، بلوار امام حسین (ع)، خیابان شانزدهم آمارگاه شهید شیر محمدی، تلفن تماس: ۰۹۹۱۲۵۲۱۲۹۳

آهن آلات ضایعاتی (تراورز فلزی)، انواع رولیک

آدرس محل بازدید: تهران، بزرگراه بسیج، بزرگراه شهید دوران، شهرک پژوهشی دانشگاه امام حسین (ع)، تلفن تماس: ۰۹۱۵۱۶۹۸۳۲۸

لاستیک ضایعاتی

آدرس محل بازدید: آمل، کیلومتر ۲۰ جاده آمل به تهران، کارگاه سد هزارز تلفن تماس: ۰۹۹۱۱۱۸۵۴۳۵

آهن آلات ضایعاتی، انواع منبع و مخزن، کوثر آبی

آدرس محل بازدید: تهران، کیلومتر ۸ جاده مخصوص کرج، شهرک استقلال، بعد از درمانگاه شهید صنیع خانی، شهرک مسکونی فاطمه الزهرا (س)، تلفن تماس: ۰۹۳۸۹۹۳۰۰۸۶

آهن آلات ضایعاتی

آدرس محل بازدید: تهران، اتوبان آزادگان (شرق به غرب)، نرسیده به اتوبان ساوه خیابان مهندی، میدان ایثار، خیابان هاشمی، کارگاه بروجردی، تلفن تماس: ۰۹۱۹۸۱۵۵۰۳۹

آهن آلات ضایعاتی

آدرس محل بازدید: تهران، بزرگراه شهید سعیدی، میدان فتح، کارگاه فتح، موسسه شهید رجایی، تلفن تماس: ۰۹۰۳۷۳۰۳۷۴۸

آهن آلات ضایعاتی

آدرس محل بازدید: تهران، بزرگراه آزادگان (شرق به غرب)، جنب میدان میوه و تره بار مرکزی، کارگاه شهید کاظمی، تلفن تماس: ۰۹۳۵۲۹۷۵۸۴۸

لنج آهنی

آدرس محل بازدید: بوشهر، ریشهر، سه راه امامزاده منطقه دوم دریایی

تلفن تماس: ۰۹۹۲۸۶۳۹۵۷۲

ساعت پاسخ گویی صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶ مدیریت مزایده ۱۷ - ۴۴۵۴۹۱۱۶ - ۰۲۱

خانوار

نشست و گفت و گو با هادی، هدی، یونس



افغانستانی را به بهترین شکل به تصویر بکشیم و تمام فکر و ذکر من نمایش دغدغه‌های این قشر بود که روزمره با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. برای مثال در یک قسمت از این مجموعه، به دلیل افغانستانی بودنم، اجازه ندارم وارد سالن ورزش کشتی شوم و در کل تمام تلاش خودم را چه در فیلم و چه در واقعیت به کار گرفته‌ام که یک دغدغه‌مند مردم و صدای نوجوانان افغانستانی باشم.

از دنیای عاطفه بگو

یکی از ویژگی‌های روابط فامیلی و خانوادگی آن زمان ارتباط فعال فامیل‌های نزدیک با یکدیگر بود که همیشه این دلیل باعث می‌شد تا اگر یکی از خانواده‌ها با چالشی مواجه شود، دیگر قشرها از این خانواده سریع مطلع می‌شوند و تمام اعضای خانواده از یکدیگر حمایت می‌کنند. جدا از این موارد وارد داستان جدید دیگری در این مجموعه می‌شویم. بازیگر عاطفه، دختر خاله هدی یک دختر تک‌فرزند است که شاید زیاد در این مجموعه زیاد به او اجازه ورود به جمع بزرگ‌ترها ندهند اما باقی اعضای خانواده نمی‌دانند که او از بلوغ نسبتاً خوبی برخوردار است و می‌تواند هر مسئله‌ای را به شکل کامل حل کند.

نیکایات یکی دیگر از نوجوانان حاضر در این سریال و دارنده یکی از گره‌های این مجموعه که نقش عاطفه را ایفا می‌کند، درباره شخصیت خود در این فیلم گفت: من در این سریال نقش دختری را بازی می‌کنم که به واسطه تک‌فرزند بودن در حال اذیت شدن است و در همین چند قسمت گذشته به پدر و مادر خود

می‌کشید اما چیزهای جالبی گفته می‌شد. شخصیت هادی در فیلم فراری از زندگی واقعی و یکی از قانون‌های خانه خودشان گفت: شاید عجیب باشد اما در خانه ما یک رسمی وجود دارد که بعد از ساعت ۱۰ شب همه موظف هستند که تلفن‌های همراه خود را در یک مکان مشخص قرار بدهند تا در کنار یکدیگر شب را بگذرانیم و حتی زودتر به استقبال خواب برویم، معمولاً یا با صحبت کردن وقت خود را می‌گذرانیم یا بعضی وقت‌ها دور هم جمع می‌شویم و بازی‌های خانوادگی مثل ماروپله، پانتومیم و... انجام می‌دهیم.

در نهایت به عقیده هادی این موارد و وجود این قوانین و نظام تربیتی در خانواده می‌تواند اثربخش باشد و روی رفتار و خلق و خوی تمام اعضای خانواده تاثیر مثبتی می‌گذارد.

صدای نوجوانان افغانستانی

در زندگی روزمره افراد مختلفی هستند که می‌توانند گاهی تاثیرگذار باشند و بعضی وقت‌ها تاثیرگذار نباشند. اما به هر حال در جامعه و اجتماعی که زیست می‌کنیم، اتباع افغان نیز بخشی از اجتماع و زیست ما را تشکیل داده‌اند و گاهی چالش‌های آنها بیشتر از ماست.

محمد مهدی حسینی، بازیگر نقش یونس در این مجموعه است و می‌توان گفت در این فیلم تیم کارگردانی و محتوایی سعی کرده تا به واسطه حضور نوجوان اتباع افغان، بخشی از چالش‌های این‌گونه نوجوانان را برای عموم مردم جامعه به تصویر بکشد که شاید بتوان گفت این امر با موفقیت صورت گرفته است. محمد مهدی حسینی درباره شخصیت خود در این فیلم گفت: من سعی کردم مشکلات یک نوجوان

این شب‌ها قاب تلویزیون در حال پخش سریالی است که شاید کمتر از فیلمسازان دیده باشیم که به آن پرداخته باشند؛ خانواده‌ای ساده و صمیمی که روایت‌کننده حال و احوالات دهه ۷۰ است و نوجوانانی که برعکس دیگر فیلم‌ها، آنها نقش‌های اصلی و بخش مهمی از سریال را بازی می‌کنند. به بهانه موضوع این شماره از نوجوانه که خانواده است؛ به سراغ چهار شخصیت و بازیگر نوجوان این مجموعه یعنی حسین او جاقلو، مهدیا ابوالعلی، محمد مهدی حسینی و نیکا یات رفته‌ایم تا از ابعاد خانواده فراری و نقش مهم این قشر مهم از جامعه بگویند.



امیرحسین علی نیافرد

نوجوانه

سعی کردم از هر ابعادی هدی و زیست نداشته آن زمان خود را در قالب هدی درست و ایجاد کنم، برای مثال فکر کردم خانواده‌ها در آن مدت چه رفتاری از خود نشان می‌دادند و حتی درباره چگونگی علاقه‌مندی هدی به اقتصاد نیز دلیل تراشیدم تا همه چیز برای من قابل لمس تر شود.

زندگی به همراه قارچ و پنیر!

بعضی اوقات ساده‌ترین چیزها را فراموش می‌کنیم، برای مثال فراموش می‌کنیم یک زمانی برعکس اکنون مهمانی‌های خانوادگی ساده‌ای را در کنار هم برگزار می‌کردیم. فراموش می‌کنیم که دقیقاً این تلفن همراه، تلویزیون و اینترنت بود که میان ما دیوار کشید و در نهایت فکر می‌کنم مادام‌هاروزه روز به روز بیشتر از قبل درگیر فراموشی سهوی و عمدی می‌شویم.

حسین او جاقلو، بازیگر نوجوان و نقش اصلی مجموعه سریال فراری که نقش هادی و پسر کوچک خانواده را ایفا می‌کند، درباره تفاوت روابط خانوادگی از جمله پدر و مادر با فرزندان و بچه‌ها با یکدیگر دیدگاه جالبی را بیان کرد. به عقیده هادی زندگی همان زندگی است اما فقط به آن تلفن همراه، اینترنت، تلویزیون و چیزهای دیگری اضافه شده، وگرنه مادر جایی زندگی می‌کنیم که زیر یک سقف کنار هم حضور داریم اما به واسطه این موارد حواس مان به یکدیگر نیست، برای مثال من درگیر تماشای تلویزیون هستم و همزمان برادرم برای ساعتی به داخل اتاق می‌رود و پدر هم مشغول کار کردن است. حال باید بگویم که مادر در بین این رفت و آمد آشپزخانه تا اتاق خواب و پذیرایی حضور دارد و می‌خواهد خانه را مدیریت کند.

در کل این ارتباط خانوادگی هنوز در جریان است اما به گمان و نظر من شکل آن تغییر پیدا کرده است. این تغییر شکل و فرم ارتباط خانوادگی می‌تواند برای بعضی‌ها مثبت باشد و با یکدیگر ارتباط خوبی داشته باشند، اما ممکن است برای بعضی خانواده‌ها برعکس باعث کم‌رنگ شدن کانون گرم خانواده شود.

در ادامه این نشست و گپ و گفت با حسین او جاقلو، حرف‌ها گرچه به درازا

یک موقع‌هایی بود...!

دهه ۸۰ را با پوست و گوشت استخوان لمس کرده‌ام اما گاهی به عنوان یک انسان آزاد با خود می‌گویم ای کاش می‌توانستم در دهه‌های دیگر زیست کنم. جدا از علاقه من و نسل‌های قبلی به دنیای فوتبال، دوست داشتم طعم ساده‌زیستی مامان و باباها را درک کنم.

این ساده‌زیستی فکر می‌کنم قبلاً زندگی‌ها را قشنگ‌تر کرده بود و خانواده‌ها کمتر دچار چالش می‌شدند. اگرچه آن زمان هم چالش‌های خاصی وجود داشت اما حداقل تمام اعضای خانواده دست به دست یکدیگر می‌دادند و آن مشکل را رفع می‌کردند.

مهدیا ابوالعلی در سریال فراری با شخصیت هدی در این مجموعه به ایفای نقش می‌پردازد و به نظر او تفاوت‌های امروز و آن زمان که به دهه ۷۰ برمی‌گردد، زمین تا آسمان است.

به عقیده او شاید زمان آنچنان زیادی از دهه ۷۰ نگذشته باشد اما عوامل دیگر و پیشرفت علم و تکنولوژی، باعث شده تا زندگی‌ها از آن رنگ و بوی ساده‌زیستی فاصله بگیرند. بازیگر نقش هدی درباره اولین تجربه بازی خود مقابل دوربین‌ها گفت: به عنوان اولین تجربه خود در نقش یک بازیگر سعی کردم در فرصت و مدت کوتاهی ارتباط خود را با نقش هدی برقرار کنم، چرا که می‌خواستم خوب خودم را مقابل دوربین‌ها به نمایش بگذارم. برای مثال من برای شخصیت هدی یک دفتر خاطرات درست کرده و سعی کردم او را بشناسم و بدانم دقیقاً چه شخصیتی با چه خاطراتی دارد. وقتی برای این شخصیت خاطرات مختلفی می‌نوشتم، می‌توانستم زیست او را برای خودم قابل لمس‌تر کنم و این مورد به من کمک می‌کرد.

به نظر مهدیا ابوالعلی تفریحات یک دهه شصتی تا نوجوان امروزی زمین تا آسمان متفاوت است و من



او جاقلو:

من فکر می‌کنم

قهرمان هر

فرزند پدرش

است و فرزندان

خانواده در درجه

اول به پدران خود

نگاه می‌کنند

و سپس مسیر

خود را در پیش

می‌گیرند



فراری

و عاطفه، بازیگران نوجوان سریال «فراری»



گفته که دلش برادر می‌خواهد.

شاید در این مجموعه دختری خجالتی و از دید بقیه و بینندگان این سریال کم حرف و بی‌چهارم به نظر برسم اما در یک جایی از این مجموعه حرف‌هایی زد که تماما برعکس این نظریه‌ها اتفاق افتاد و به نظر من عاطفه، دختری است که از سن خود بیشتر می‌فهمد و بیشتر توانایی درک موارد را دارد. نیکی بیات درباره تک‌فرزند بودن و معایب آن گفت: من با اینکه در زندگی واقعی خود تک‌فرزند نیستم اما در طول بازی در سریال می‌توانستم کاملا کسانی را که تک‌فرزند هستند، درک کنم و بعضی وقت‌ها با جست‌وجو در شخصیت عاطفه و شخصیت دوستان تک‌فرزند خود، نشانه‌هایی از کم حرفی و خجالتی بودن را پیدا کنیم که از تک‌فرزند بودن آنها سرچشمه می‌گیرد.

پدر؛ اولین قهرمان هر فرزند

درست در زمانی که از اوایل انقلاب مشکلات زیادی در جامعه مانند جنگ رخ داد، نگاه جامعه به وسیله شهدای دفاع مقدس به سمت پرورش قهرمان‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... سوق پیدا کرد اما زمانی که صنعت فیلمسازی و پروژه ابرقهرمان‌سازی هالیوود و نت‌فلیکس توسعه یافت، از آن ارزش‌ها و آرمان‌های خود در نسل جدید و نوجوانان، مخصوصا دهه‌های ۸۰ و ۹۰ دور شدیم. حالا در این نشست

موضوع قهرمان‌پروری را بین صحبت‌ها مطرح کردیم تا از تفاوت قهرمان‌های دوران دهه ۷۰ نوجوانان و این روزها صحبت کنیم.

نیکی بیات بازیگر شخصیت عاطفه به این موضوع اشاره کرد که این نگاه قهرمان‌پروری به خود خانواده‌ها برمی‌گردد، چرا که نگاه خانواده‌های آن زمان با اکنون تا حدود زیادی متفاوت شده و خود پدران و مادران، معنی قهرمان را برای بچه‌های خود تعریف می‌کنند.

برای مثال اگر یک خانواده برای بچه‌های خود از زندگی شهدا حرف بزند، قطعاً پسر یا دختر با توجه به مسیری که خانواده برای او تداعی کرده، جلو می‌رود.

حسین او جاقلو در ادامه این موضوع گفت من فکر می‌کنم قهرمان هر فرزندی پدرش است و فرزندان خانواده در درجه اول به پدران خود نگاه می‌کنند و سپس مسیر خود را در پیش می‌گیرند. برای مثال ما در خانواده در ایام محرم و صفر فقط مداحی و نوحه گوش می‌دهیم و خانه و لباس‌های خود را در این ایام سیاه پوش می‌کنیم، در کل به نظر من همه چیز به خانواده برمی‌گردد و می‌تواند حتی برعکس این موضوع نیز برای هرکسی رخ دهد.

محمد مهدی حسینی بازیگر شخصیت یونس در سریال فراری به این موضوع اشاره کرد که من به واسطه پایگاه مسجدی که در آنجا فعالیت می‌کنم با این مجموعه آشنا شدم و خیلی خوشحالم در کشور ایران فضایی به نام مسجد وجود دارد که ما افغانستانی‌ها می‌توانیم به آشنایی با فضاهای تربیتی بپردازیم، چرا که من در همین پایگاه بسیج می‌توانم با سبک زندگی شهدای ایرانی و افغانستانی مدافع حرم آشنا شوم و مسیر آنها را ادامه بدهم. بازیگر شخصیت

یونس در ادامه گفت: من در مدرسه یک دوستی دارم که ارزش‌ها و قهرمان‌هایش با من زمین تا آسمان تفاوت دارد اما سعی کردم به کمک خدا دستش را بگیرم و با مسجد و فعالیت‌های خودمان آن را آشنا کنم که در کل خدا را شکر این امر تحقق پیدا کرد.

هادی و حسین!

بعضی وقت‌ها ممکن است بازی کردن در نقش یک شخصیت، ویژگی‌های مختلف آن کاراکتر را به رفتار و اخلاق آن بازیگر اضافه کرده یا حتی از او کم کند. حسین او جاقلو در برابر این سوال که چقدر شخصیت حسین با هادی در فیلم یا برعکس شباهت دارد، گفت: فکر می‌کنم شباهت‌های کم و زیادی داشته باشد اما بعضی وقت‌ها ممکن است شخصیت هادی جلوی بزرگ‌ترها فریاد بکشد اما شخصیت حسین در زندگی واقعی به این صورت نیست، من بعد از بازی در سریال شاید بتوانم اعلام کنم که حداقل به صورت شاخص یکی از رفتارهای هادی را به ارث برده‌ام و آن رفتار بی‌خیالی است!

در شخصیت من که حسین هستم اگر قرار باشد با کسی راس ساعتی یک دیداری داشته باشم، سعی می‌کنم نیم ساعت زودتر از آن وقت در آنجا حضور داشته باشم اما بعضی وقت‌ها

شخصیت بی‌خیالی هادی وارد من می‌شود و سر آن قرار دیرتر می‌روم.

تفاوت یاد راس توجه بودن؟

بعضی وقت‌ها ممکن است با خود بگوییم ای کاش به ساده‌زیستی و آن رنگ و لعاب خوش دنیای دهه ۷۰ و قدیم مامان و باباها برگردیم، ولی در عمل شاید برعکس دنبال نشان دادن تفاوت‌های خودمان هستیم.

مهدیا ابوالعلی، بازیگر شخصیت هدی در سریال فراری معتقد است همه ما می‌خواهیم به عقب برگردیم اما یک چیزی به نام رقابت در زندگی روزمره خود باعث شده که نتوانیم آن خواسته‌مان را عملی کنیم. به عقیده او امروزه همه دنبال خاص بودن هستند و بین نوجوانان رقابت چه کسی از دیگران خاص‌تر است در جریان است که همین امر باعث شده از اصالت‌های آن زمان دور شویم. در کل باید به شخصیت هدی افتخار کنم که یک دختر کدبانو است که در خانواده کارهایی را انجام داده و وظایفی را بر دوش می‌کشد که به عقیده دیگران امروزه یک امر عادی محسوب می‌شود.

در نهایت مهدیا ابوالعلی اشاره دارد به اینکه شخصیت‌های عادی کم شده و همه به دنبال موارد خاصی در خود هستند که به بقیه نشان بدهند.

ماموریت غیرممکن

در تولید هر مجموعه تلویزیونی ممکن است بازیگران نقش اصلی آن مجموعه با چالش‌های جدی و سختی روبه‌رو شوند که یکی از آن ماجراها این بود حسین جاقلو باید تا شروع فیلمبرداری رشته کشتی را در اولویت خود قرار می‌داد تا بتواند از پس شخصیت هادی کشتی‌گیر بر بیاید.

حسین او جاقلو در این مورد گفت: بعد از زمان ضبط سکانس‌ها وقتی همه به سمت خانه‌های خود حرکت می‌کردند، من باید مستقیم با خستگی ناشی از سکانس‌ها، مدرسه و آفیش‌های صبح زود به باشگاه کشتی می‌رفتم تا بتوانم از پس وظیفه خود بر بیایم. بعضی وقت‌ها وقتی به خانه برمی‌گشتم، سعی می‌کردم خود را هر طور شده، بیدار نگه دارم تا بتوانم دیالوگ‌های قسمت بعدی را حفظ کنم و به آن مسلط شوم.

یکی از موارد دیگری که شاید کمتر کسی از من و باقی بچه‌ها بدانند، این است که مدارس ما متأسفانه همکاری‌های لازم را انجام نمی‌دادند و مجبور می‌شدیم سخت برای درس‌های باقیمانده در وقت ناهار و شام تلاش و مطالعه کنیم.

عاقل تر از آنیم که دیوانه نباشیم

جدا از حسین او جاقلو که در قسمت قبلی به مشکلات او در حین شروع و انجام پروژه اشاره شد، مهدیا ابوالعلی نیز با چالش‌هایی در ابتدای شروع این پروژه مواجه شده بود که می‌توانست دلیلی باشد تا از انجام این کار و بازی در این فیلم منصرف شود.

بازیگر شخصیت هدی در این رابطه گفت: من به عنوان دختری که چادری هستم و این سبک پوشش را برای خود انتخاب کرده‌ام، این امر بسیار سخت و پرچالش بود که در ابتدا برای تست گریم چادر خود را از سر بردارم و شاید بقیه اطلاع نداشته باشند اما وقتی برای اولین بار در تست گریم و... حاضر شدم، حالم بد شد و نتوانستم برای مدتی به سر کار و ادامه آن پروژه برگردم.

مهدیا ابوالعلی در ادامه این نشست اشاره داشت که حتی در بین ضبط سکانس‌ها در آخرین لحظه چادر را از سر می‌برداشتم و آن را به شخص دیگری می‌سپردم و بعد از آن شخص تحویل می‌گرفتم، شاید در ابتدا معذب شده بودم و از قضاوت‌های بقیه می‌ترسیدم اما بعد از مدتی به این نتیجه رسیدم که خود واقعی شخصیت را بیشتر از قبل قبول داشته باشم و از این ترس‌ها خودداری کنم. در نهایت من همیشه در این لحظات می‌گویم اصلاً بگذار به تو بگویند دیوانه، چرا که عاقل‌تر از آنیم که دیوانه نباشیم.



حسینی:

من سعی

کردم مشکلات

یک نوجوان

افغانستانی را

به بهترین شکل

به تصویر بکشم

و تمام فکرو

ذکر من نمایش

دغدغه‌های

این قشر بود

که روزمره با

مشکلات زیادی

دست و پنجه نرم

می‌کنند

درباره خانواده و خطرهایی که آن را تهدید می‌کند

خونه، اون خونه قریبی نیست

هست که به دوام آن استحکام می‌بخشد. بعضی خانواده را پیوند خونی می‌دانند و بعضی، زندگی کردن زیر یک سقف را خانواده معنا می‌کنند. اما آن چیزی که به زعم من در همه این‌ها و اگر ثابت است، مهم و اثرگذار بودن خانواده در زندگی فرد است و کسی نیست که این مهم را نادیده بگیرد. به قولی «خانواده چیز مهمی نیست، همه چیز است.» در این دو صفحه از نوجوانه می‌خواهیم از خانواده بگوئیم و بخشی از آنچه که ممکن است به این مهم، ضربه بزند.

خانواده از آن دست مسائلی است که تا دلتان بخواهد، حرف و بحث درباره‌اش بسیار است. از نوع تعریف این کلمه گرفته تا چگونگی شکل‌گیری‌اش در قرون گذشته و دنیای مدرن کنونی. از آن دست مفاهیم که در دل هر فرهنگی به طور ویژه‌ای تعریف می‌شود و همواره خطرهایی آن را تهدید می‌کند یا عواملی

مریم شاه‌پسندی



دبیر
تحریریه

سبک زندگی مدرن

فرزند پادری دنیا بگذارد یا پدري، بیشتر از قبل برای پول در آوردن و کار کردن وقت بگذارد و از تفریحش بزند برای این که فرزندش بهتر زندگی کند. فردگرایی سبک زندگی مدرن، این فرآیند را سخت‌تر می‌کند و احتمالاً بارها شنیده‌اید که کسانی از فرزندآوری سرباز می‌زنند صرفاً به همان دلایلی که قبل‌تر عرض کردم. در ثانی، نه فقط در بحث فرزندآوری، بلکه در امر مهم و پیچیده‌ای مثل ازدواج هم فردگرایی چندان راهگشا نیست. ازدواج که لازمه‌اش صبر و تحمل و به قول قدیمی‌ترها «مدارا» کردن است، با این مسأله جور در نمی‌آید. شما نمی‌توانید هم خودتان را در اولویت قرار بدهید و هم در عین حال، از خودتان برای پایداری یک رابطه بگذرید. این سبک زندگی تمرکز چندان روی خانواده ندارد و آنچه در رسانه‌ها مدام دیده می‌شود، مجموعه‌ای از موفقیت‌های فردی، چالش‌های فردی و تنهایی است. فرد خودش به موفقیت می‌رسد و نهایتاً با چند دوست نزدیک آن را جشن می‌گیرد، به چالش‌هایی می‌خورد که خودش باید آنها را حل کند. ابزارآلات دنیای مدرن او را به سمت دوستی‌های مجازی و غیرحقیقی می‌برد و به ظاهر دایره ارتباطی او را گسترده می‌کند، ولی در باطن، تنهایی و دوری از خانواده را برایش رقم می‌زند و احتمالاً در آینده‌ای نه چندان دور، گسترده شدن دنیای متاورس با تمام فوایدش، این وضعیت را بغرنج‌تر کند. لازم است بگوئیم در سبک زندگی مدرن که هر روزه بیشتر و بیشتر با آن مواجه می‌شویم، لذت جویی هم مورد توجه است. یعنی فرد درصدد اقداماتی باشد که صرفاً به او لذت ببخشد و نیازهایش را بر طرف بکند، پس همین نگاه در زندگی مدرن می‌تواند جلوی بسیاری از مسئولیت‌پذیری‌ها

تعهد را ایجاد کند. همان طوری که طی این سال‌ها شاهد انواع روابط دوستانه، جنسی و اجتماعی بوده‌ایم که با عناوین روشنفکرانه و مدرن، از هرگونه تعهد، وفاداری و فداکاری دوری می‌کنند. همچنین در سال‌های اخیر، وزارتخانه‌های تنهایی در انگلیس تاسیس شده است و همین خبر، تمام آنچه درباره سبک زندگی مدرن گفته‌ام و خواهم گفت را در خود جای داده است.

به نظر می‌رسد در سبک زندگی مدرن خانواده جایی ندارد. در این سبک زندگی، فردگرایی، مصرف‌گرایی و نسبی‌گرایی دائماً تقویت می‌شود. اما در این موضوع خاص، یعنی خانواده من می‌خواهم درباره فردگرایی این سبک در زندگی صحبت کنم، همین که انسان خودش را در اولویت قرار می‌دهد و هر آنچه غیر خودش را در مرتبه‌های دوم، حل شاید پیرسید که این فردگرایی چه ارتباطی با خانواده دارد؟ نمی‌شود که هم به خود توجه کرد و هم به خانواده؟

جواب اما این است که فردگرایی در چنین موضوعی، یعنی اولویت قرار دادن خود نسبت به هر چیز و هر کس دیگری. بحث نه توجه است و نه بی‌توجهی. از بحث تأثیر فردگرایی در جامعه می‌گذرم و به خانواده می‌پردازم. مثلاً شما فکر کنید که فرزند خود را از والدینش مهم‌تر و واجب‌تر بدانند. آن وقت چه می‌شود؟ این طور می‌شود که فرزند بسیاری از فعالیت‌ها و دلسوزی‌هایی که لازمه دوام ارتباط آن خانواده است را در حق پدر و مادر به جانمی‌آورد و صرفاً خواسته‌های خودش است که اهمیت دارد و لا غیر. از طرفی، همان فرد در سنین جوانی به سمت فرزندآوری به ویژه در تعداد بالا، نمی‌رود زیرا لازمه پدر و مادر شدن نوعی از خودگذشتگی است که نگاه فردگرا آن را نمی‌پذیرد. نگاه فردگرا نمی‌پذیرد که مادری از خواب و خوراک خود بزند و به اصطلاح ریتم طبیعی زندگی و جسمانی خودش را به هم بزند برای این که

چه چیزی ارزشمند است؟

بحث تفاوت میان سلبریتی‌های ایرانی و خارجی آنها ندارد. از هزار و یک وجه می‌شود نگاهش کرد و مهم است که قصد تخریب باشد یا تشویق. من اما قصد هیچ‌کدام نیست. نه آن قدر دلم برای سلبریتی‌های غربی می‌تپد که چشم‌روی بسیاری از چیزها ببندم و نه عاشق سینه‌چاک سلبریتی‌های ایرانی هستم که انگشت انتقاد را به سمت‌شان نگیرم.

چه بخواهیم و چه نخواهیم، افراد مشهور روی جوان و نوجوان تأثیر دارند و هر تأثیری، یک مسئولیتی ایجاد می‌کند. البته که باید به نوجوان و جوان درباره چگونگی الگوپذیری و تقلید نکردن صرف، آموزش داد و در تربیت آنها این مهم را به‌کار برد اما به هر حال، این مسأله وجود دارد.

این طور که در میان بعضی از سلبریتی‌های خارجی دیده می‌شود، فرزندآوری پدیده مهم و دلچسبی برای آنهاست. تعداد بالای فرزندان و فعالیت اجتماعی زنان مشهور در عین بارداری از جمله مواردی است که در سلبریتی‌های پرفرمدار غربی دیده‌ایم؛ هر چند که تفاوت عرف ما با آنها بسیار است و مفهوم «خانواده» در اینجا و آنجا متفاوت است اما این مهم

در مقایسه با سلبریتی‌های ایرانی بیشتر به چشم می‌خورد. البته از حق نگذریم آنچه در سلبریتی‌های ایرانی بسیار دیده می‌شود و قابل تحسین است، احترام به پدر و مادر و توجه به والدین است و از جمله معیارهایی است که روی محبوبیت یک سلبریتی در جامعه ایرانی تأثیر مستقیم دارد.

هر چند که آمار ازدواج پایین و فرزندآوری نزولی در ایران، ارتباط مستقیم با وضعیت اقتصادی این سال‌های کشورمان دارد اما مطمئناً این تنها دلیل نیست. عوامل فرهنگی هم در این آمارها سهمیم است. به نظر می‌آید در یکی دو دهه گذشته و برای نسل جدید، دیگر تعداد بالای فرزند پسندیده نیست. حتی کسانی که وضعیت مالی خوبی دارند، مثل بعضی از سلبریتی‌های ایرانی، از این مسأله سر باز می‌زنند.

دیدن سلبریتی ایرانی با سه فرزند و بیشتر، تعجب‌برانگیز است و از طرفی، روی آوردن قشری از مردم به پرورش حیوانات به جای انسان در این مهم بی‌اثر نبوده است. به زعم بنده آنچه در نسل جدید نسبت به قبل متفاوت است، میزان ارزشمندی فرزندآوری و مسئولیت مقدس مادر و پدری است. به نظر می‌آید نسل‌های قبل، مادر و پدر شدن را بسیار باارزش و مهم می‌دانستند و آن را دستاوردی بزرگ می‌دیدند در حالی که امروزه دستاورد در چیزهای دیگری معنا می‌شود.



نه این است و نه آن؟

و... که فضای مجازی نقش زیادی در تبلیغ و تشویق آن دارد. افزوده شدن همین تکه پازل های ناجور که هر کار کنی با پازل فرهنگی ایرانی - اسلامی چفت نمی شود، خانواده را زیر سؤال می برد.



در متن قبلی، چند خطی درباره سوشال مدیا گفتیم و لازم است تکمله ای به آن اضافه کنیم. فضای مجازی از چند جهت روی خانواده اثر می گذارد. اول این که ارتباطات گسترده در آن فضا، ما را از دایره محدود اطرافیان مان دور می کند. در ظاهر دوستی های نزدیکی را برای ما رقم می زند اما در باطن، دور از دسترس است. از طرفی همین ارتباطات گسترده و اغلب سطحی، افراد یک خانواده را از رابطه عمیقی که می توانند بین خود ایجاد کنند، دور می کند. افراد بیشتر با دوستان خود ارتباط برقرار می کنند تا اعضای خانواده. از طرفی، سرگرمی های فضای مجازی و وابستگی عمیق زندگی ما به این طور موارد هم به آسیب هایی جدی منجر می شود. همان طور که بارها از بی توجهی والدین به فرزندان و بالعکس دیده ایم و شنیده ایم. در ثانی، فضای مجازی در عرصه تولید محتوا هم چندان به خانواده اهمیت نمی دهد. البته این ممکن است در بعضی موارد از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت باشد اما آنچه دیده می شود، همان طور که قبل تر عرض کردم موفقیت های فردی، چالش های فردی و تنهایی است. در فضای مجازی معمولاً تعداد بالای فرزندان یک خانواده تبلیغ نمی شود، فرزندآوری دستاورد مهمی نیست آن طور که به دست آوردن ماشین و شغل خوب دستاورد مهمی به شمار می رود. به طور کلی، هر چند که شبکه های اجتماعی متنوع است اما تفکرات و سلیقه های ما را درباره مسائل مختلف تغییر می دهد. با آموزش های نادرست و غیرعلمی در مسائل تربیتی، پدر و مادرها را به یک سمت می کشاند و جوان ترها را به سمت دیگر.

گاه مشاوره های اشتباه و روان شناسی های زرد شبکه های اجتماعی، شکاف بین اعضای خانواده را بیشتر و فردگرایی را تقویت می کند و گاه عناصر فرهنگی غربی که در بطن جامعه ایرانی جوابگو و پسندیده نیست به تفکرات ما راه می یابد.

آنچه در این بحث بسیار اهمیت دارد، همین نکته ای است که عرض کردم. بسیاری از هنجارهای دیگر فرهنگ ها به خصوص فرهنگ غرب که بیشتر با آن مواجه می شویم، همچنین بسیاری از عادت های رفتاری، طرز تفکر، سنت ها و خرده فرهنگ های غربی، با فرهنگ ایرانی - اسلامی ما تناسب ندارد و پذیرفتن آنها به صرف این که محصول غرب است، مثل این می ماند که سعی کنید روی «خانواده» در غرب یک جور است و در شرق، جور دیگر.

جهانی معتقدند اما ریشه ها و عناصر فرهنگی و بهتر، فرهنگ یک کشور تا یک جایی حدی فراتر رود به خودباختگی می مانیم و یک فرهنگ

همچنین طی و انواعی از روابط خانواده را از بین به رسمیت پیروش حیوانات به جای انسان

سرگرمی منهای خانواده

قدیم ترها زمانی که دستگاه وی اچ اس یا همان دستگاه ویدئو در دهه ۶۰ وجود داشت، مادر و پدرها ایمان از ترس این که نکند یک وقت در نبود آنها فرزند دلیندشان به فیلم های خارجی کرایه ای دسترسی پیدا کند؛ آن را معمولاً در عجیب ترین مکان های خانه حتی بین آجرها مخفی می کردند تا دسترسی برای محتوایی که مناسب فرزندشان نیست، فراهم نباشد.

حالا دیگر باید اعتراف کنیم که امروزه شرایط به صورتی پیش رفته که متأسفانه پدر و مادرها از فرزندشان نسخه سانسور شده یک فیلم را تحویل می گیرند و این در حالی است که شاید خودشان هم خبر نداشته باشند فرزند ارشد خانواده با هزار روش و فیلتر شکن به نسخه کامل و غیرکنترل شده آن فیلم سینمایی فرنگی دسترسی پیدا می کند.

دنیای بازی های کنسولی و رایانه ای نیز متأسفانه در رصدها به یک بازی به نسبت محبوب خارجی ای رسیده ایم که در نسخه جدید آن همه چی آزادتر به نظر می رسد و این بازی آنلاین می تواند حداقل به تنهایی تمام زحمات تربیت پدر و مادر آن بچه را به باد بدهد.

بازی هایی که معمولاً کار شبیه سازی یک دنیایی شبیه زندگی امروز را بر عهده دارد، امروزه بیش از پیش برای تمامی نوجوانان اهل دنیای بازی، مورد حمایت قرار گرفته که یکی از همان مواردی که نباید سمت آن حرکت و آن را وارد کنسول کرد؛ بازی سیمز یا به عبارتی پرفروش ترین بازی سبک استراتژی شبیه سازی زندگی است.

این بازی شاید با توجه به دارا بودن سیستم هوش مصنوعی می تواند جذاب باشد اما در حقیقت از یک فضا و یک زمانی دیگر، شخص بازی کننده ناخودآگاه وارد داستان هایی می شود که دانستن آن برای مخاطب نوجوان خیلی زود است.

یکی از مواردی که در بی رصدهای ممکن به آن دست یافته ایم این است که این بازی در یکی از پلتفرم های فیلتر شده یک گروه بزرگ تقریباً ۱۰۰۰ نفری دارد که البته باید گفت دایره مخاطبان این بازی بیشتر از این حرف هاست.

خلاصه مطلب این که هم در امر بازی سازی برای نوجوان ها و هم در امر قطع دسترسی آنها به همچنین مواردی خیلی عقب هستیم.



الگوی از یک خانواده تراز

۱ پدرا نه

رابطه پدر و پسرها یک جوری است که هم صمیمیت و محبت بین شان جاری است و هم یک حرمتی میان آنهاست که نمی گذارد از یک حدی به هم نزدیک تر شوند. حالا تو اگر کودکی ات را در حالی سپری کرده باشی که پدرت به دلایل مختلفی درگیر جنگ و اتفاقات کوچک و بزرگی شده باشد آن هم دور از خانه و خانواده، گاهی رابطه تان می شود از جنس دلتنگی. آن وقت است که مجبور می شوی آن دیوار را بشکنی و به هر بهانه ای هم که شده خودت را برای بابالوس کنی و با او گرم بگیری؛ شبیه یک رفیق هم سن و سالت. امام حسین (ع) خودش آن قدر عاشق پدر بود که نام همه پسرانش را علی گذاشت. علی اکبر اما جدای از یادآوری نام پدر، ظاهر و باطنش، عجیب همه را یاد رسول خدای انداخت. برای همین دلبری اش برای پدر دوچندان بود. اما آن حجب و حیای پدر و پسر کار دست شان داده بود. شاید برای همین بود که وقتی روز عاشورا قرار شد علی اکبر به عنوان اولین نفر از بنی هاشم به میدان برود، تنها خواهش پدرش این بود که لااقل قبل از رفتن چند قدم پیش من راه برو. هرم میدان و تشنگی و زخم هالبتت دوباره علی را پیش پدر کشاند؛ اما این ظاهر ماجرا بود. علی دریای شجاعت و ایمان بود. دریا با همه دریا بودنش اگر چه از رودخانه ساکت تر است اما باز برای آرامش لازم دارد خودش را در اقیانوس بریزد. این بار پسر آمده بود همه حجب و حیاه را کنار بگذارد و در اقیانوس وجود حسین (ع) غرق شود. می گویند لحظه ای بعد زبان در کام پدر گذاشته بود. نه برای این که بفهمد پدر هم از او تشنه تر است؛ نه. دریایی به اقیانوسی متصل بود که رنگ آرامش بگیرد. دوباره به میدان زد و وقتی شاهد شهادت را نوشید، پدر، آن هم چه پدری؟ امام معصوم که همه صفت هایش بی نهایت است؛ در اوج محبت و مهر پدری خودش را رساند بالای سر فرزند تکه تکه شده اش. زانوهایش سست شده بودند. دشمن گفت حسین بالای سر نعلش فرزندش جان داده و اگر نبود رایحه خواهرانه زینب، شاید هم همین می شد.

۲ خواهرانه

خواهر یک جورهایی رازدار آدم است. یک رفیق که چون از کودکی با ما بزرگ شده، غم ها و شادی هایمان را با او شریک شده ایم و رازهایمان را در گوشش زمزمه کرده ایم. رابطه آنها هم همین طور بود. یک پیوند عمیق و ناگسستنی که هیچ چیز نمی توانست آن را از بین ببرد. از همان کودکی جوری زلف شان به هم گره خورده بود که با دوری از هم حال شان بد می شد. مخصوصا برای دختر که سن و سال کمتری هم داشت. اگر چند روز از برادرش دور بود بی تاب می کرد. آن قدر که مادرش هم تعجب می کرد از این رابطه عاطفی و نگران شده بود. یک بار از پدرش پرسید: «زینب (س) هر وقت از حسین (ع) دور است خیلی بی قراری می کند. دلیلش چیست؟» شاید این اولین بار نبود که رسول خدا (ص) مجبور می شد ماجرا را برای فاطمه (س) تعریف کند. اما این دفعه فرقتش این بود که روضه را از نگاه زینب (س) می خواند. از نگاه خواهری که قرار است در لحظه های آخر به جای مادر و پدر و پدربزرگ و برادر بزرگ ترش، زیر گلوئی حسین را ببوسد. شاید نمی داند چرا زیر گلو را باید ببوسد اما این ندانستن ساعتی بیشتر طول نخواهد کشید و وقتی بدترین آدم تاریخ بر سینه فرزند رسول خدا می نشیند، همه چیز برایش روشن می شود. شهادت هر برادری پیش چشم خواهرش، رازدارش، یار دوران کودکی اش، سخت است اما برای زینب (س) از همه سخت تر. یادتان که نرفته است آنها از کودکی چقدر بی قرار هم بودند. تا آنجا که حتی وقتی زینب (س) به خانه بخت رفت، سه روز بعد شوهرش سراغ حسین (ع) آمد و گفت که زینب (س) حال خوشی ندارد و چون امام می دانست که این ماجرا به دوری آنها از هم ربط دارد به خانه خواهر رفت تا از او دلجویی کند. البته که خواهر خواب بود و حسین (ع) برای این که نور آفتاب صورت خواهر را آزار ندهد یک ساعت دستش را بالا گرفت تا آفتاب به صورت زینب (س) نخورد. خب، البته زینب (س) هم بعدها جبران کرد. فقط در حالی که برادر سر در بدن نداشت و بیگوش زیر آفتاب مانده بود.

۳ برادرانه

مگر چه کسی را جز برادر می شود مثل یک کوه، پشت خودت ببینی؟ اصلا برادر همان خودت دوست که در یک بدن دیگر دارد زندگی می کند و هر وقت کم می آوری می شود قهرمان زندگی ات. حالا فکرش را بکن این برادر، امام و مولا و سرور تو و همه کسانی باشد که همزمان با تو زندگی می کنند بلکه همه آنها که قبل تو بوده اند و بعد از تو خواهند آمد. چقدر سخت است رابطه برادری را در این حال پیوند بزنی با حرمت امام زمانت. کاری که عباس (ع) خوب بلد بود. آن قدر که اگر بخواهند ادب را به تصویر بکشند، جز جمال زیبای عباس (ع) را نمی توانند ترسیم کنند. جنگاوری تنها، ویژگی دوران جوانی اش نبود؛ او از کودکی مشق رزم را پیش علی آموخته بود. خیلی ها به یاد داشتند وقتی سواری با چهره پوشیده در صفین به میدان رفت و برق شمشیرش لرزه به تن دشمن انداخت اول همه فکر کردند خود علی (ع) به میدان آمده. اما وقتی پیش پدر برگشت همه دیدند عباس (ع) است. پرسیدند چرا نمی گذاری به میدان برود. علی (ع) فرمود: «هذا ذخر الحسین» یعنی او ذخیره است برای پسر حسین در روز عاشورا. خب، روز موعود فرارسیده بود. همیشه به او گفته اند صبوری کن، وقت جنگ کردن تو هم می رسد. شاید اگر به میدان می رفت ورق جنگ را برمی گرداند. اما برادر که نه؛ مولایش به او این اجازه را نمی داد و او گوش به فرمان بود. عاقبت برای آوردن آب رفت. باور کنید حق برادری این نیست که تشنه بمانی چون برادرت و خانواده اش تشنه اند، ولی شرط ادب و معرفت این بود. در میانه فرات بود اما قطره ای از آن نوشید. و ساعتی بعد با چشم تیرخورده و دست و پای قطع شده برای اولین بار حسین (ع) را جور دیگری صدا زد: «برادر! برادرت را دریاب!» خب، لابد چون مادرش زهرا سراغش آمده بود.



آگهی دعوت به مجمع عمومی
عادی سالانه انجمن علوم آناتومی
دامپزشکی ایران (نوبت دوم)

بدینوسیله از کلیه اعضای پیوسته انجمن دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه انجمن علوم آناتومی دامپزشکی ایران که در روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۳۰ به نشانی: تهران، خیابان آزادی، نبش خیابان دکتر قریب، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران ساعت ۱۰ تشکیل می شود، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

- ۱- گزارش عملکرد هیات مدیره
- ۲- گزارش مالی انجمن
- ۳- انتخاب اعضای هیات مدیره و بازرسان

آگهی دعوت مجمع عمومی
به طور فوق العاده (نوبت اول)
شرکت تعاونی مفید یاران پویا

جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت اول) شرکت تعاونی مفید یاران پویا راس ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۰۳ در آدرس: خیابان آذربایجان، تقاطع نواب، برج سهیل، واحد ۲۰۴ تشکیل می گردد.

لذا از کلیه سهامداران محترم دعوت می شود راس ساعت مقرر در محل مذکور حضور بهم رسانند. ضمنا مطابق آیین نامه تشکیل مجمع عمومی تعداد آرای و کالته هر عضو و هر شخص غیر عضو یک رای خواهد بود و اعضا متقاضی اعطای نمایندگی می باشد به همراه نماینده خود حداکثر یک روز قبل از تاریخ فوق در آدرس مذکور حاضر و برگه ورود به مجمع را دریافت نمایند.

دستور جلسه:

- گزارش هیات مدیره و بازرسان
- طرح و تصویب صورت های مالی سال ۱۴۰۲ و بودجه سال جاری
- انتخاب بازرسان شرکت

تذکر: داوطلبان تصدی پست بازرسان موظفند حداکثر ۵ روز پس از انتشار آگهی دعوت، فرم داوطلبی را تکمیل و به آدرس فوق تحویل نمایند.

هیات مدیره

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) پراپد صبا (جی. تی ایکس) مدل ۸۲ به شماره موتور 00450774 شماره شاسی S1412282954543 شماره انتظامی ۳۵ - ۲۲۶ ب ۲۹ به نام حمید پاکپور اسکوتی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز موتورسیکلت ناتالی RD125CC مدل ۱۳۹۰ به رنگ مشکی شماره انتظامی ایران ۶۲۲۷۸۷-۶۲۲۷۸۷ شماره موتور NYW31379 شماره شاسی N3S***125F9010280 به مالکیت اصغر محسنی دمنه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کارخانه و برگ سبز خودرو سواری هاج بک تیبا ۲ به رنگ سفید به شماره پلاک ۱۴۵۴۷۲ ایران ۴۵ مدل ۱۳۹۵ به شماره موتور 8285546 به شماره شاسی NAS821100G1045115 به نام اعظم شیرین آبادی تکابلی با کد ملی ۳۱۹۹۷۲۸۵۴۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو سواری تیبا مدل ۱۳۹۲ به رنگ سفید شماره انتظامی ایران ۴۱۵۲۸۲-۶۷-۸۰۸۸۸۸ شماره شاسی 8087418 شماره موتور NAS811100D5743970 به مالکیت مسلم جعفری سعدآباد مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.